اجرای نمایش «جزیره» با بازی اکبر زنجانپور

نمایش «جزیره» به نویسندگی آئول فوگارد، ترجمه محمد حفاظتی، کارگردانی اکبر زنجانپور و بازی اکبر زنجانپور و سعید داخ هر روز ساعت ۲۰:۱۵ در تالار چهارسوی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود.

داستان این نمایش با بازی اکبر زنجانپور و سعید داخ روایت دو زندانی به نام‌های جان و وینستن است که در تبعیدگاهی در جزیره‌ای دورافتاده نمایش تمرین می‌کنند. زنجان‌پور از بازیگران پیشگام و باسابقه تئاتر کشورمان است که طی سال‌های گذشته در مقام کارگردان نمایش‌هایی چون «ایوانف و «سیر طولانی روز در شب» را در تالار چهارسوی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه برده و با بازی در نمایش «شب هزار و یکم» به نویسندگی و کارگردانی بهرام بیضایی نیز به‌عنوان بازیگر در این تالار روی صحنه رفته است. کهبد تاراج مجری طرح و دستیار اول کارگردان، اکبر زنجانپور طراح صحنه، ابراهیم حقیقی طراح پوستر و بروشور، سارا مژده طراح لباس، رضا خضرایی طراح نور، علی اردلان طراح گریم و نیما لبخنده طراح ویدئو و پروجکشن مپینگ برخی از عوامل تولید و اجرای این نمایش را تشکیل می‌دهند.



بعثت مردم، حلقه گمشده محاسبات دشمن

آیت‌الله غروی: دشمن روی فروپاشی اجتماعی حساب کرده بود اما مردم به سمت انسجام رفتند

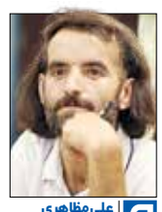

علی مظاهری
جام‌جم آنلاین

جنگ اخیر، علاوه بر میدان نظامی، عرصه‌ای برای سنجش محاسبات راهبردی دشمن و میزان انسجام داخلی ایران بود؛ جنگی که به گفته آیت‌الله سیدمحمد غروی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دشمن در طراحی آن بر ضربه به فرماندهی، ایجاد رعب و آشوب داخلی و گسست میان مردم و نظام حساب ویژه‌ای باز کرده بود، اما در محاسبه اقتدار ایران و عمق پیوند مردم با رهبری دچار خطا شد. غروی معتقد است مهم‌ترین درس این مواجهه، ضرورت واقع‌بینی، حفظ هوشیاری و انسجام ملی و در کنار آن، پیگیری حقوقی و بین‌المللی خسارت‌ها و جنایت‌های جنگ است. در همین ارتباط با آیت‌الله سیدمحمد غروی گفت‌وگو کردیم.



اگر بخواهیم از تجربه جنگ اخیر یک درس راهبردی بگیریم، با عنایت به قرآن کریم و سیره اهل‌بیت(ع)، شرایط امروز جامعه ما در برخی جهات به دوران آغاز تشکیل حکومت اسلامی در زمان پیامبر اکرم(ص) و امیرالمؤمنین(ع) شباهت دارد. نخستین ضرورت، واقع‌بینی است؛ باید هم توان و موقعیت خود را دقیق بشناسیم و هم دشمن را درست ارزیابی کنیم تا دچار خطای محاسباتی نشویم. همان‌گونه که به موشک نقطه‌زن نیاز داریم، در عرصه فکری و راهبردی نیز باید تفکر و راهبرد نقطه‌زن داشته باشیم. شناخت دقیق میدان، مقدمه تصمیم درست است. دشمن در این جنگ چه هدفی را دنبال می‌کرد؟

راهبرد دشمن در جنگ آمریکایی - صهیونیستی، فروپاشی نظام و برهم‌زدن ساختار کشور بود. آنها می‌خواستند با ایجاد آشوب داخلی، جذب ناراضیان و افراد خاکستری، ایجاد رعب و وحشت و ضربه به فرماندهان عالی‌رتبه نظامی، سیاسی و امنیتی، قدرت تصمیم‌گیری کشور را مختل کنند. هدف نهایی، شکستن اقتدار و انسجام داخلی، ازهم‌گسیختگی کشور و فراهم کردن زمینه مداخله از جهات مختلف بود تا ایران را از یکپارچگی خارج و به تعبیر خودشان به «ایرانستان» تبدیل کنند.

آیا این حمله بر اساس محاسبه‌ای از پیش طراحی شده بود؟

بله. دشمن بخش‌های مختلف این سناریو را پیش‌تر آزموده و بر اساس ارزیابی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی داده‌های فضای مجازی، برای جنگ آماده شده بود. تصورشان این بود که با ترکیب حمله نظامی، آشوب داخلی و ایجاد رعب، می‌توانند در یک جنگ ضربتی به اهداف خود برسند. اما در محاسبات‌شان یک عامل تعیین‌کننده را درست ندیده بودند: اقتدار ایران.

تفاوت قدرت و اقتدار در اینجا چه بود؟

قدرت نظامی به‌تنهایی کافی نیست؛ اقتدار، توان به‌کارگیری آن قدرت در لحظه تصمیم است. نیروهای نظامی و امنیتی ایران با اقتدار وارد میدان شدند و با هدایت رهبر معظم انقلاب، ظرفیت‌های نظامی کشور را به‌کار گرفتند. پاسخ ایران نیز صرفاً دفاعی نبود و مراکز و پایگاه‌هایی را که دشمن برای عملیات علیه ایران در منطقه در اختیار داشت، هدف قرار داد. دشمن تصور نمی‌کرد ایران از چنین توان و جرات عملی برخوردار باشد. درواقع، آنچه محاسبات آنان را برهم زد، پیوند قدرت نظامی با اقتدار، اراده و رهبری بود.

آیا محاسبه دشمن فقط بر توان نظامی استوار بود؟

خیر. بخش مهم‌تر محاسبه دشمن، جامعه ایران بود. آنها تصور می‌کردند با ضربه به فرماندهی، ایجاد ناامنی و رعب و وحشت، انسجام اجتماعی را می‌شکنند و مردم را از نظام جدا می‌کنند؛ اما جامعه آن‌گونه که انتظار داشتند از هم نپاشید. مردم در شرایط جنگ، برخلاف محاسبه دشمن، به جای گسست، به سمت انسجام حرکت کردند و همین مسئله بخش مهمی از سناریوی دشمن را خنثی کرد.

این واکنش مردم چه معنای عمیق‌تری داشت؟

این مساله را نباید صرفا یک واکنش مقطعی دانست؛ اینجا سخن از بعثت و بیعت مردم با رهبر است. مردم نشان دادند پیوندشان با رهبری صرفا سیاسی و اداری نیست؛ در لحظه خطر، این پیوند به یک سرمایه اجتماعی و اعتقادی تبدیل می‌شود. دشمن بر ترس و فروپاشی اجتماعی حساب کرده بود، اما مردم با حضور و ایستادگی خود نشان دادند که می‌توانند در شرایط بحران، به جای گسست، به انسجام برسند. بنابراین، دستاورد این مواجهه فقط نمایش توان نظامی و موشکی نبود؛ مردم نیز با حضور و بیعت خود، محاسبه دشمن درباره جامعه ایران را برهم زدند.

بنابراین می‌توان گفت نقطه اوج این مواجهه، پیوند مردم و رهبری بود؟

دقیقا. دشمن می‌خواست با ضربه به فرماندهی، ترور فرماندهان و ایجاد رعب، میان مردم و نظام گسست ایجاد کند؛ اما نتیجه معکوس شد. مردم با حضور و همراهی خود نشان دادند این پیوند همچنان زنده و تعیین‌کننده است. اقتدار نیز صرفاً در موشک و تجهیزات نظامی خلاصه نمی‌شود؛ قدرت زمانی به اقتدار تبدیل می‌شود که پشت آن تفکر، راهبرد، اراده و رهبری وجود داشته باشد. آنچه در این جنگ آشکار شد، پیوند توان نظامی، رهبری و مردم بود. دشمن در محاسبه قدرت نظامی ایران دچار خطا شد، اما خطای بزرگ‌ترش، نادیده گرفتن عمق پیوند مردم با رهبری بود.

با توجه به شرایط پس از جنگ، مهم‌ترین ضرورت امروز چیست؟

ضرورت نخست، واقع‌بینی و حفظ هوشیاری است. نباید تصور کنیم دشمن تمام ظرفیت‌های خود را از دست داده یا هر اقدامی را بدون محاسبه انجام دهیم. در کنار هوشیاری ملت، مسئولان و مذاکره‌کنندگان نیز باید هوشیار باشند و مهم‌تر از همه، وحدت و انسجام کشور حفظ شود. ممکن است برخی، شرایط موجود را همه‌جانبه درک نکنند و درباره تصمیم‌ها قضاوت نادرست داشته باشند؛ اما در نهایت باید مصالح ایران اسلامی ملاک محاسبه باشد. هیچ‌کس مصون از خطا نیست؛ مهم این است که عامدانه خطا نکنیم و همه توان خود را برای حفظ مصالح کشور به کار بگیریم.

مردم نشان دادند پیوندشان با رهبری صرفا سیاسی و اداری نیست؛ در لحظه خطر، این پیوند به یک سرمایه اجتماعی و اعتقادی تبدیل می‌شود



مردم در عبور از این مرحله چه نقشی دارند؟

مردم باید بدانند که کشور در شرایط عادی نیست و همچنان باید موقعیت جنگی را در تحلیل‌های خود لحاظ کنند. در کنار مطالبه‌گری، به صبوری، تاب‌آوری و حمایت از مسئولان نیاز داریم؛ به‌ویژه کسانی که سال‌ها در شرایط دشوار مسئولیت بر عهده داشته‌اند. حفظ وحدت و انسجام، حضور مردم و حمایت از مسئولان می‌تواند توطئه دشمن را خنثی کند. اگر جامعه این مرحله را با انسجام و تاب‌آوری پشت سر بگذارد، ایران می‌تواند پس از آن با قامت و جایگاهی متفاوت در جهان ظهور کند.

فشارهای اقتصادی و آثار جنگ را چگونه باید تحلیل کرد؟

باید میان عوامل مختلف تفکیک قائل شد. جنگ، واقعی و گسترده بود و با این حال، بسیاری از امور اساسی کشور بدون اختلال جدی ادامه یافت. از سوی دیگر، بخشی از مشکلات و تورم موجود متأثر از جنگ و بخش دیگری ناشی از تحریم‌هاست. شرایط جنگی، هزینه تأمین، انتقال و واردات کالا را افزایش می‌دهد و بر صادرات و مبادلات اقتصادی نیز اثر می‌گذارد. بنابراین باید هم مشکلات اقتصادی را دید و هم شرایط کشور را واقع‌بینانه درک کرد. این واقع‌بینی به معنای نادیده گرفتن مشکلات نیست؛ بلکه به معنای شناخت دقیق ریشه‌ها و شرایطی است که بر اقتصاد کشور اثر گذاشته است.

آیا خسارت‌های جنگ را باید صرفا در چارچوب مذاکرات سیاسی دنبال کرد؟

خیر. خسارت‌ها و جنایت‌های صورت‌گرفته، موضوعی مستقل است و باید در سطح حقوقی و بین‌المللی پیگیری شود. دستگاه قضایی و وزارت امور خارجه باید وارد این پرونده شوند و مشخص شود آمریکا و رژیم صهیونیستی بر اساس چه مبنایی به ایران حمله کردند، چه مجوز بین‌المللی برای این اقدام داشتند و با استناد به کدام مبنا، فرماندهان و افراد را هدف قرار دادند. اینکه در مذاکره بخشی از منابع ایران آزاد شود یا تحریم‌هایی برداشته شود، یک موضوع است؛ اما پاسخ‌گویی به جنایت‌ها و خسارت‌های وارد شده، موضوعی دیگر و یک حق مستقل برای ایران است.

این مساله فقط به ایران مربوط نیست؛ به آینده نظم بین‌المللی مربوط است. اگر در قرن بیست‌ویکم هر قدرتی صرفا به دلیل برخورداری از زور بتواند به کشور دیگری حمله کند، فلسفه وجودی سازمان ملل و شورای امنیت و اساس بازدارندگی بین‌المللی زیر سؤال می‌رود. بنابراین، باید این جنایت‌ها در مجامع بین‌المللی مطرح و افکار عمومی جهان نیز از ابعاد واقعی آن آگاه شود. بسیاری از کشورها هنوز از آنچه در ایران رخ داده، آگاهی کافی ندارند یا نسبت به آن غفلت می‌کنند. انتقال این واقعیت‌ها، بخشی از مسئولیت ما در عرصه بین‌المللی است.

برای انتقال این واقعیت‌ها به افکار عمومی جهان چه باید کرد؟

این کار به یک حرکت گسترده رسانه‌ای و فرهنگی نیاز دارد. باید ابعاد جنایت‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی در ایران و منطقه، با تولید فیلم، سریال و محتوای رسانه‌ای، به زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف منتقل شود. نباید این روایت صرفا در سطح دیپلماسی رسمی باقی بماند؛ افکار عمومی جهان باید واقعیت‌ها را بشناسد و نسبت به آنها آگاه شود. همان‌گونه که جنایت‌های غزه افکار عمومی جهان را متوجه واقعیت‌های این رژیم کرد، باید جنایت‌های صورت‌گرفته در ایران نیز به‌درستی روایت و منتقل شود.

چه عاملی توانست واکنش نیروهای کشور را در برابر این حمله منسجم کند؟

وحدت و انسجام میان نیروهای کشور، تحت رهبری مقام معظم رهبری، عامل مهم این هماهنگی بود. در شرایط جنگی، تجهیزات و امکانات به‌تنهایی تعیین‌کننده نیست؛ آنچه ظرفیت‌ها را به قدرتی مؤثر تبدیل می‌کند، هماهنگی و انسجام نیروهاست. آنچه در این جنگ به‌خوبی آشکار شد، همین وحدت و هماهنگی بود که امکان داد نیروهای مختلف در کنار یکدیگر وظایف خود را انجام دهند و اجازه ندهند محاسبات دشمن درباره توان ایران تحقق پیدا کند.

با توجه به شرایط پس از جنگ، چه ضرورتی در تصمیم‌گیری‌های کشور وجود دارد؟

باید همچنان واقع‌بین و هوشیار باشیم. نباید تصور کنیم دشمن تمام ظرفیت‌های خود را از دست داده و نباید تصمیم‌ها را براساس هیجان و این تصور که «هرچه شد، بشود» اتخاذ کرد. ملت، مسئولان و مذاکره‌کنندگان باید هوشیاری خود را حفظ کنند و بیش از هرچیز، مراقب باشند وحدت و انسجام کشور آسیب نبیند. ممکن است برخی، شرایط را همه‌جانبه درک نکنند و درباره تصمیم‌ها قضاوت نادرست داشته باشند؛ اما ملاک باید مصالح ایران اسلامی باشد. هیچ‌کس مصون از خطا نیست؛ مهم آن است که خطای عمدی رخ ندهد و همه تلاش‌ها برای حفظ مصالح کشور و عبور درست از این مرحله به کار گرفته شود.

در این شرایط، مردم چه نقشی دارند؟

مردم باید بدانند که کشور همچنان در شرایط جنگی قرار دارد و عبور از این مرحله، بیش از هر چیز به هوشیاری، صبوری، تاب‌آوری و حفظ وحدت و انسجام نیازمند است. حمایت از مسئولان، به‌ویژه کسانی که سال‌ها در شرایط دشوار مسئولیت‌های سنگینی بر دوش داشته‌اند، ضروری است. این حمایت به معنای نادیده‌گرفتن مشکلات نیست؛ بلکه به معنای درک درست شرایط و کمک به عبور کشور از یک مرحله حساس است. اگر مردم انسجام و تاب‌آوری خود را حفظ کنند و در کنار مسئولان بایستند، می‌توان بر توطئه‌های دشمن غلبه کرد. نتیجه چنین ایستادگی‌ای می‌تواند ظهور ایران با قامت و جایگاهی تازه در جهان باشد.

با وجود فشارهای اقتصادی، چگونه باید شرایط موجود را برای مردم تبیین کرد؟

باید واقعیت‌ها را جامع دید. جنگ، واقعیتی جدی بود و با وجود آن، بسیاری از امور اساسی کشور استمرار یافت. در عین حال، بخشی از مشکلات اقتصادی و تورم، متأثر از جنگ و بخش دیگری ناشی از تحریم‌هاست. شرایط جنگی و تحریمی، هزینه تأمین، انتقال و واردات را افزایش می‌دهد و بر صادرات و مبادلات اقتصادی نیز اثر می‌گذارد.

این حق مسلم ملت ایران است که بداند چه کسانی و با چه مبنایی به کشور و مردم آسیب زده�‌اند. ایران باید بتواند با استناد به اسناد و شواهد، روایت خود را در مجامع بین‌المللی مطرح کند و از حق خود برای دریافت غرامت دفاع کند. این مسیر، پیچیده و طولانی است، اما بی‌اثر نیست. تجربه نشان داده است که پرونده‌های حقوقی، حتی پس از سال‌ها، به نتیجه می‌رسند. مهم این است که این مسیر رها نشود.

این حق مطالبه حقوقی چه ابعاد فراتری دارد؟

این حق فقط به گذشته مربوط نیست. ما در شرایطی هستیم که قواعد بازی در حال تغییر است و کشورها بیش از گذشته به ابزارهای حقوقی و دیپلماتیک برای دفاع از منافع خود متوسل می‌شوند. اگر ایران در این عرصه حضور فعال نداشته باشد، ممکن است در آینده با تکرار همین الگو در قبال کشورهای دیگر روبه‌رو شود. بنابراین، این مسیر هم برای گذشته و هم برای آینده اهمیت دارد.

متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید

جام جم
فرهنگ
CULTURE
۵
شنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۵ شماره ۷۴۲۰

یادداشت

دکتر محمدهادی همایون | استاد دانشگاه

چله پنجم مردم مبعوث

مردم مبعوث ایران با دریافت اعلام رضایت امام و با افتخار، پنجمین چله را نیز پشت سر گذاشت؛ چله‌ای بسیار گره‌گشا و به‌ظاهر پرتنوع که شاید تا آخرین ساعات هم یافتن عنوان برای آن دشوار می‌نمود اما اینک و با پایان یافتن این مقطع مهم به‌نظر می‌رسد می‌توان نام و ماموریتی ویژه برای آن در نظر گرفت. در ابتدای چله به‌نظر می‌رسید ما هم مانند مسلمانان صدر اسلام، با همان الگو و اصل تکرار حوادث تاریخ برای قوم آخرالزمان، سرمست از پیروزی بدر، در سومین و چهارمین چله در حال ورود به شرایط جنگ احد هستیم. در میانه چله نیز تاب‌آوری مردم بسیار برجسته شد و به‌وضوح دیدیم که نقطه هدف دشمن قرار گرفت. در ادامه، حوادث مهمی در داخل و در منطقه رخ داد که چهره واقعی این چله را برای ما روشن‌تر کرد. اینک به‌نظر می‌رسد می‌توانیم برای این چله نامی بگذاریم که توان جمع کردن همه این امور و وقایع را ذیل خود دارد: چله تام.

با این تبیین می‌توان چنین اندیشید که در چله پنجم، طرح الهی مقابله با استکبار در این قیام آخرالزمانی و رساندن آن به نابودی صهیون و جریان ظهور بلافاصله پس از آن، در کوران حوادث بالاخره کامل شد و اصطلاحا الگو درآمد.

آغازگر این سلسله به‌هم پیوسته همچنان جوشش خون امام شهید بود و بعثت مردم و استمرار حضور مؤثر آنان در صحنه. پیش از ورود به چله، خبرهایی مبنی بر ورود برخی سازمان‌ها و مراجع به طراحی و اجرای جهاد خیابان به گوش رسید که ظاهرا در نخستین اجرای آزمایشی و با مقاومت مردم، از دستور خارج شد. در ادامه زمزمه‌هایی بیشتر روشنفکرانه و برخاسته از جایگاه خواص و آنانی درگرفت که آسیب‌شناسی را بیش از پیشرفت دوست دارند. فصل مشترک این اظهارنظرها این بود که تعداد تجمعات و جمعیت آنها کم شده و بالاخره باید برای پایان طبیعی آن فکری کرد. مشاهدات هر شب همه ما گواهی بر نادرست بودن این ادعا و پایمردی مردم مبعوث بر عهدشان با امام خود است؛ و البته در کنار این مقاومت و حضور وحدت‌طلبانه، شاهد بروز نوآوری‌ها و گسترش حوزه‌های کاری در برنامه‌های خیابان‌ها و میادین نیز هستیم.

در ادامه این تثبیت قدرت و جایگاه در مردم بود که امام همانند موارد پیشین وارد صحنه شده و تغییراتی مهم را در مدیریت‌های کلان جنگ و جامعه رقم زدند. تحولات از فرماندهان جنگ و شعام آغاز شد و تا پایان چله به دفتر خود ایشان نیز رسید. در پیام ویژه دولت نیز به موارد مهمی اشاره شد که دولتمردان به‌ویژه در همراهی و خدمت به مردم باید نصب‌العین خویش قرار دهند. این می‌تواند بنابر ماهیت چله نویدی باشد برای استمرار ایجاد تغییرات مهم و ثمربخش در اداره کشور و جنگ در روزهای پیش رو در چله ششم.

جریان نفوذ و نفاق نیز در این چله به یک مرحله تمام رسید. در پی تثبیت و قدرتی که در ارکان کشور ایجاد شد، جریان نفوذ که همواره نقش راه‌بازکن برای آمریکا و ایادی‌اش را داشت، تمام تلاش خود را کرد تا یک دیپلماسی ذلیلانه یا یک شورش کور خیابانی را بر کشور تحمیل کند و نتوانست. نقطه اوج این جریان ورود جمعی و سازماندهی شده جریان منتسب به دولت اسبق بود که خیلی آشکارا افراد، دیدگاه‌ها و جلسات خود را به چشم آورد. البته از این نوع هجمه، این به ذهن متبادر می‌شود که نکند جریان نفوذ در اعماق خود به مرحله آشکارشدگی در برابر مردم رسیده و اصطلاحا در حال لو رفتن است، که مهره‌های سوخته را برای منحرف کردن توجه و حواس جامعه به میدان آورده است و با کمی تأمل این احتمال معقول می‌نماید و هوشیاری بیشتری را می‌طلبد.

متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید

رویداد



برگزاری آیین نکوداشت هوشنگ مرادی‌کرمانی

به مناسبت هشتادودومین زادروز هوشنگ مرادی‌کرمانی و همزمان با روز ملی زبان و ادب فارسی، آیین نکوداشت این نویسنده و رونمایی از کتاب «هوشنگ مرادی کرمانی» نوشته سیدعلی کاشفی‌خوانساری با تصویرگری گلرخ محتاج‌الفضل، از مجموعه کودک «دست‌های کوچک، آرزوهای بزرگ» نشر فیل جمعه ۲۷ شهریور در خانه اردیبهشت عودلاجان برگزار شد. فرهاد حسن‌زاده نویسنده کودک و نوجوان، محمود برآبادی نویسنده کودک و نوجوان، مرضیه وفامهر فیلم‌ساز و جمعی از اهالی فرهنگ و ادب در این مراسم حضور داشتند. به گزارش ایرنا، هوشنگ مرادی‌کرمانی قبل از برگزاری این آیین به دوستدارانش گفت: به خودم می‌بالم که شما مرا دوست دارید و من هم شما را دوست دارم. من به دنیا آمدم تا شما را دوست داشته باشم، شما چشم و روح من هستید وقتی اثری از من می‌خوانید بهترین هدیه را به من می‌دهید. او همه مخاطبانش را خانواده‌اش خواند و افزود: دوست دارم در جمع شما باشم. هیچ دیواری نمی‌تواند مانع فرهنگ شود و فرهنگ می‌تواند همه جا برود.

سینما



هشدار فریدون جیرانی درباره معیشت کارگردانان

فریدون جیرانی با هشدار درباره دشواری‌های فزاینده پیش روی کارگردانان، از معیشت تا ممیزی، کمیته‌ای ویژه برای پیگیری امور رفاهی اعضای کانون کارگردانان سینمای ایران تعیین کرد. به گزارش ایسنا، نخستین جلسه شورای مرکزی کانون کارگردانان سینمای ایران، پس از روز ملی سینما، با حضور فریدون جیرانی رئیس کانون و اعضای شورای مرکزی برگزار شد و طی آن مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌های صنفی کارگردانان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این جلسه، مسائل و مشکلات صنفی مطرح شد و اعضای شورای مرکزی به بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود پرداختند. جیرانی نیز با اشاره به دشواری‌های پیش روی فعالیت کارگردانان، از مشکلات معیشتی گرفته تا مسائل مربوط به تولید و ممیزی، کمیته‌ای را مسئول پیگیری امور رفاهی و معیشتی اعضای کانون تعیین کرد. همچنین بر ادامه برنامه‌های کمیته فرهنگی کانون از جمله برگزاری نمایش فیلم‌های کلاسیک سینمای ایران و دیدار با فیلمسازان و پیشکسوتان صنف تاکید شد.

موسیقی



برپایی کنسرت هنرمندان در آخرین روزهای تابستان

در روزهای پایانی تابستان ۱۴۰۵ هنوز بازار کنسرت‌ها در تهران داغ نشده و چراغ خوانندگان پاپ هم آنچنان که باید روشن نشده اما کنسرت‌ها در استان‌ها همچنان پرشور روی صحنه‌اند. به گزارش ایسنا، کنسرت گروه مهدی غلامی جمعه ۲۷ شهریورماه ساعت ۲۰ در فرهنگسرای بهمن اجرا می‌شود. کنسرت گروه هژیر مهرافروز روز یکشنبه ۲۹ شهریورماه در رزمال روی صحنه می‌رود. کنسرت گروه لیان در روز ۲۹ شهریورماه در شیراز، کنسرت فرج علیپور در خرم‌آباد، کنسرت عرشیاس در کرمانشاه، کنسرت امید حاجیلی در محمودآباد، کنسرت سالار عقیلی در نوشهر، کنسرت فرزاد فرزین در اصفهان، کنسرت اشوان در اهواز، کنسرت محمد علیزاده در انزلی، کنسرت علیرضا طلیسچی در بوشهر، کنسرت علیرضا قربانی در اصفهان، برگزاری فیلم‌کنسرت «بازی تاج و تخت» در رشت، کنسرت مجید خراطها در قزوین، کنسرت مجید رضوی در کرمان و... برخی دیگر از رویدادهای موسیقایی هستند که در روزهای آخر تابستان روی صحنه خواهند رفت.

تجسمی



بازخوانی نمادین اساطیر در قالب یک نمایشگاه

نمایشگاه آثار نقاشی و نگارگری مریم استکی با عنوان «میان دو جهان» در گالری کیمن برقرار است. در بیانیه این نمایشگاه به قلم هنرمند آمده است: «شاهنامه فردوسی از دیرباز بخشی از حافظه فرهنگی و روایت‌های آشنای من بوده است؛ قصه‌هایی که با همراهی پهلوانان، دیوان، سفرها و آزمون‌ها، فراتر از روایت دلاوری، قصه انسان و لایه‌های پنهان روان را بازگو می‌کنند. آثار این مجموعه بر بستر نقاشی ایرانی شکل گرفته‌اند؛ زبانی که با ساختار روایی ظرفیت‌های نمادین، رنگ و همنشینی لایه‌های مختلف تصویر، امکان بیان تجربه‌هایی را فراهم می‌کند که گاه فراتر از کلماتند و جوهر این روایت‌ها را آشکار می‌سازند. در آثار این نمایشگاه، ظرافت‌های نگارگری مدرن با هم آمیخته شده و روایتگر لحظه‌های نمادین از داستان‌های شاهنامه است. برای مثال در یک نقاشی که عنوانش «اسفندیار؛ آخرین خوان» است، فراتر از یک تصویرسازی ساده از نبرد، به جنبه‌های درونی و عرفانی قهرمان پرداخته است. این نمایشگاه تا ۲۹ شهریور در گالری کیمن به نشانی خیابان الهیه، کوچه اخگری، کوچه آناهیتا، پلاک ۱۰ برقرار است.